



Article Type: Research paper

Construction the Pattern of Cooperation and Competition in Iran-Turkey Relations (2011-2023)

* Saeed Pirmohammadi¹, Amir Niakooee²

1. Member of the Faculty, Institute for Security and Development Studies, Tehran International Studies & Research Institute, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Political Science, University of Guilan, Rasht, Iran.

Article Info.

Received: 18/10/2024

Accepted: 5/9/2025

Available Online: 11/9/2025

Keywords:

Karabakh crisis, Threat Construction, Iran-Türkiye Relations, Zangezur Corridor, Regional Order.

* Corresponding Author:

Dr. Saeed Pirmohammadi

Address: Member of the Faculty, Institute for Security and Development Studies, Tehran International Studies & Research Institute, Tehran, Iran.

E-mail:

saeedpir@webmail.guilan.ac.ir

Abstract

Relations between the Islamic Republic of Iran and Turkey have fluctuated from the beginning to the present in a range from cooperation to competition. Perception of Turkey as a relatively secular country united by the West and a member of NATO has made it a challenging player in the intellectual structure of Iranian decision-makers. The two countries have different views on regional role, regional order and regional leadership. The escalation of tensions and the divergence of interests between the two sides in Iraq, Syria and Karabakh could be expanded to the point of entering the direct confrontation phase. Tehran's threatening perception of the Zangezur corridor and the increase in Israeli influence in Turkey and Azerbaijan have exacerbated pessimism in this regard. At the same time, historical relations between the two neighboring countries and cooperation in the economic spheres are considered a pivotal factor in advancing Iran's Neighborhood Policy and regional economic diplomacy. The experience of cooperation in the Qatar crisis and the 2017 referendum in the Kurdistan region of Iraq also showed that Tehran and Ankara share common interests in at least some thematic areas. The main question of this article is what is the basis for sinus oscillation in Iran-Turkey relations between 2011 and 2023. The findings of the study based on structural propositions show that perceptions and perceptions of security and threat were the factors that led to the creation of various forms of Hobbesian (confrontation), Lockean (competition) and Kantian (cooperation) cultures in Iran-Turkey relations.

How to Site:

Pirmohammadi, S. and niakooee, S. A. (2025). Construction the pattern of cooperation and competition in Iran-Turkey relations (2023-2011). *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(2), 62-87



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

برسازی الگوی همکاری و رقابت در روابط ایران و ترکیه (۲۰۲۳-۲۰۱۱)

* سعید پیرمحمدی^۱، سیدامیر نیاکویی^۲

۱. عضو هیئت علمی، پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت، پژوهشکده ابرار معاصر، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۷ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه از آغاز تاکنون در طیفی از همکاری تا رقابت نوسان داشته است. ادراک از ترکیه به عنوان کشوری نسبتاً سکولار متحد غرب و عضو ناتو آن را به بازبگری چالش برانگیز در ساختار فکری تصمیم‌سازان ایران تبدیل کرده است. دو کشور در ارتباط با نقش منطقه‌ای، نظم منطقه‌ای و رهبری منطقه‌ای انگاره‌های متفاوتی دارند. ادراک تهدیدآمیز تهران از کریدور زنگه‌زور و افزایش نفوذ اسرائیل در ترکیه و آذربایجان بدبینی‌ها در این خصوص را تشدید کرده است. در عین حال، روابط تاریخی بین دو کشور همسایه و همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی عاملی محوری در پیشبرد سیاست همسایگی و دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود. تجربه همکاری در بحران قطر و همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ نیز نشان داد که تهران و آنکارا منافع مشترکی دست‌کم در برخی حوزه‌های موضوعی دارند. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چه عاملی زمینه‌ساز نوسان سینوسی در روابط ایران و ترکیه حد فاصل سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ شده است. یافته‌های پژوهش بر مبنای گزاره‌های سازه‌انگاری نشان می‌دهد که ادراکات و برداشت‌ها از امنیت و تهدید عامل برسازی اشکال مختلف فرهنگ‌هازی (تقابل)، لاک‌ی (رقابت) و کانتی (همکاری) در مناسبات ایران و ترکیه در دوره زمانی مورد بحث بوده است. در بعد ایجابی استقرار نظم منطقه‌ای مطلوب موارد متعددی از تضاد و واگرایی منافع ایران و ترکیه از جمله در بحران‌های سوریه و قره‌باغ قابل‌رؤیت است و در موارد تلاش برای جلوگیری از استقرار نظم منطقه‌ای نامطلوب، دو طرف در قالب کنش منفی و سلبی به نوعی همکاری تاکتیکی رسیده‌اند. برخی از حوزه‌های اقتصادی تعاملات دوجانبه نیز به‌مثابه حوزه خاکستری روابط، وضعیتی بینابین داشته است. مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات مورد نیاز به‌روش کتابخانه‌ای و مرجع‌منابع اینترنتی معتبر گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها:

بحران قره‌باغ، برسازی
تهدید، روابط ایران - ترکیه،
کریدور زنگه‌زور، نظم
منطقه‌ای.

* نویسنده مسئول:

دکتر سعید پیرمحمدی

نشانی: عضو هیئت علمی،

پژوهشگاه مطالعات امنیت و

پیشرفت، پژوهشکده ابرار معاصر،

تهران، ایران.

پست الکترونیک:

saecidpir@webmail.guilan.ac.ir

استناد به این مقاله:

پیرمحمدی، سعید و نیاکویی، سید امیر. (۱۴۰۴). برسازی الگوی همکاری و رقابت در روابط ایران و ترکیه (۲۰۲۳-۲۰۱۱). مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۷(۲)، ۶۲-۸۷.

۱. مقدمه

گذاری بر روابط ایران و ترکیه در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نوسان‌های متوالی در مناسبات دوجانبه را برجسته می‌کند. سکولاریسم حاکم در کنار روابط ترکیه با اسرائیل و آمریکا بر روابط آنکارا با همسایه شرقی اش سایه افکنده است. کمالیست‌ها نظام جمهوری اسلامی و هویت آن را تهدیدی برای هویت سکولار کمالیستی می‌دانستند و حاضر به گسترش روابط با آن نبودند. در گفتمان انقلابی جمهوری اسلامی نیز ترکیه به‌عنوان کشوری نسبتاً سکولار، متحد غرب و عضو ناتو و در نتیجه چالشی بالقوه قلمداد می‌شد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، تحولاتی مثبت و تدریجی در روابط ایران و ترکیه پدید آمد. عدم برداشت تهدیدآمیز از یکدیگر و همچنین قرابت نسبی هنجاری و هویتی دست‌کم در مقایسه با دوران کمالیست‌ها و گسترش نقش مستقل منطقه‌ای از سوی ترکیه بر بهبود روابط دو طرف اثرگذار بود (Niakooee & Haji, 2018: 93-94).

پژوهش حاضر عوامل زمینه‌ساز نوسان سینوسی در روابط ایران و ترکیه در حد فاصل سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ را بررسی و تحلیل می‌کند. دوره مذکور با آغاز بحران در سوریه همراه است که تهران و آنکارا به دلیل اتخاذ سیاست‌های متفاوت در رابطه با حکومت مرکزی سوریه در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در سال‌های بعدی، دو کشور علاوه بر بحران سوریه در مسائل حوزه عراق و قریه‌باغ نیز دچار واگرایی منافع و در مواردی نیز دچار تقابل استراتژیک شدند. در کنار این موارد، رقابت راهبردی و همکاری نیز بخش جدایی‌ناپذیر روابط پرنوسان دو طرف بوده است. برای بررسی ابعاد و زوایای چندلایه مناسبات ایران و ترکیه از رهیافت سازه‌نگاری و تأثیرگذاری ساختارهای فکری و هنجاری بر ادراکات و برداشت‌های مقامات عالی از مناسبات دوجانبه بهره گرفته می‌شود.

پژوهش حاضر به جای اتکا بر الگوی شکل‌گیری همکاری و رقابت در قالب‌های پیشینی و از پیش تعیین شده، از رهیافت پسینی و سازه‌نگارانه، که قائل به شکل‌گیری مناسبات در بستری از تعاملات دوجانبه و چندجانبه است، بهره می‌گیرد. سازمان‌دهی پژوهش نیز این‌گونه انجام شده که نخست چهارچوب نظری مقاله ارائه می‌شود سپس نشانه‌ها و ابعاد فرهنگ‌های هابزی-تقابلی، لاکی-رقابتی و کانتی-همکاری جویانه در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در مقطع زمانی پژوهش حاضر بررسی می‌شود. در نهایت نیز نتیجه‌گیری نهایی از مباحث طرح‌شده ارائه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

موسوی (Mousavi, 2020: 179) در مقاله‌ای با عنوان «الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در دوره دولت اردوغان در چارچوب سازه‌انگاری» چرایی و چگونگی برخورد منافع ایران و ترکیه را بررسی کرده است. نویسنده این مقاله معتقد است که این برخورد منافع عمدتاً متأثر از سیاست خارجی نوعثمانی‌گری ترکیه است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هویت و هنجارهای سیاست‌گذاران دولت اسلام‌گرای ترکیه با سیاست‌گذاران ایرانی در تضاد است بنابراین نوعثمانی‌گری ترکیه موجبات برخورد منافع دو کشور در منطقه خاورمیانه را فراهم کرده است. از سوی دیگر، فرصت‌های امنیتی، همکاری‌های اقتصادی و همکاری در حل تعارضات منطقه‌ای همگرایی دو کشور را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

صفوی و نبوی (Safavi & Nabavi, 2020: 6) در پژوهشی با عنوان «واکاوی عوامل نظامی امنیتی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه» در صدد تحلیل و ارزیابی تأثیرگذاری عوامل نظامی-امنیتی بر آینده روابط ایران و ترکیه در افق ۱۰ ساله هستند. نگارندگان این پژوهش معتقدند روابط نظامی-امنیتی ایران و ترکیه هیچ‌گاه هم‌وزن و هم‌پای روابط اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی دو کشور نبوده است، اما تحولات اخیر در ارتش ترکیه، کودتای نافرجام در ترکیه و پشتیبانی ایران از دولت ترکیه، به‌همراه دیپلماسی فعال دفاعی ایران باعث شده روند همکاری‌های نظامی اندکی تغییر کند. نهایتاً استدلال این پژوهش بر آن است که همکاری نظامی ترکیه با آمریکا، همکاری نظامی ترکیه با اسرائیل، همکاری و اختلاف در بحران امنیتی سوریه و رقابت ایران و ترکیه در ترتیبات امنیتی قفقاز عوامل کلیدی نظامی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه هستند.

غانبی (Ghaebi, 2016: 85) در پژوهشی با عنوان «اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه»، روابط دوجانبه ایران و ترکیه را در زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه از منظر اقتصاد سیاسی واکاوی کرده است. از این منظر، روابط بین ایران و ترکیه در دهه اخیر تا حد زیادی مبتنی بر گسترش روابط اقتصادی بوده که بیشتر متأثر از حوزه انرژی به‌ویژه گاز است و در عین حال برخلاف ماهیت همکاری روابط اقتصادی، روابط سیاسی دو کشور دارای ماهیت رقابت منطقه‌ای بوده است. بر این اساس، سه حوزه اولویت‌دار نامتقارن در روابط دو کشور شامل ژئوپلیتیک، عامل انرژی در روابط اقتصادی و اولویت گاز طبیعی در روابط اقتصادی دو کشور تبیین شده است.

آثار و ادبیات موجود در حوزه روابط ایران و ترکیه، که به برخی از آنها اشاره شد، هر یک از زاویه و ابعاد خاصی به موضوع نگریسته‌اند. در این میان، حتی برخی آثار از جمله پژوهش نخست از چهارچوب سازه‌انگاری برای بررسی و تحلیل روابط تهران و آنکارا بهره گرفته‌اند. با این حال، پژوهش حاضر ایفای نقش ساختارهای فکری و هنجاری بر مناسبات دو کشور را از زاویه متفاوتی بررسی کرده است. به علاوه تلاش شده با وارد کردن پویایی‌های جدید و به‌روز از تحولات در زیرسیستم شامات گرفته تا بحران قره‌باغ، اثرگذاری و عاملیت ساختارهای ذهنی و ادراکی در روند شکل‌گیری و تکوین مناسبات ایران و آنکارا بررسی و تحلیل شود.

۳. چارچوب نظری؛ سازه‌انگاری

از دیدگاه سازه‌انگاری، ساختارهای فکری و هنجاری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند، زیرا این نظام‌های مامعنا هستند که تعریف می‌کنند کنشگران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. از این جهت، سازه‌انگاری قائل به رهیافتی میانه و بینابین است؛ بدین معنا که از یک‌سو به نقش ایده‌ها، ذهنیات، قواعد، هنجارها، فرهنگ و رویه‌ها توجه دارد و از سوی دیگر نقش عوامل مادی و فیزیکی را نیز کاملاً نفی نمی‌کند. بر این اساس، فرهنگ، هویت، هنجارها و ارزش‌های ملی و بین‌المللی سهم ویژه‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌ها و رفتار بازیگران در عرصه بین‌المللی دارند.

از این منظر، هویت بازیگران به منافع و کنش‌های آنها شکل می‌دهد. هویت به معنای فهم‌های نسبتاً ثابت از خود و انتظارات از دیگران است. از این رو، هویت‌ها را نمی‌توان به شکلی ماهوی یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد. آن‌ها ذاتاً اموری رابطه‌ای هستند و باید به‌عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که یک کنشگر با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران یعنی به‌عنوان یک ابژه اجتماعی به خود نسبت می‌دهد. هویت هر دولت، گویای ترجیحات و کنش‌های بعدی آن دولت است. هویت‌های اجتماعی برداشت‌های خاصی را از خود در رابطه با سایر کنشگران نشان می‌دهند و از این راه منافع خاصی را ایجاد می‌کنند و به تصمیمات سیاست‌گذاری شکل می‌دهند. اینکه «خود» را دوست یا دشمن («دیگری») بداند، تفاوت زیادی در تعامل میان آنها ایجاد خواهد کرد (Moshirzadeh, 2004: 125). هویت دولت‌ها نیز در فرایندی پویا و مورد اختلاف یا منازعه‌برانگیز در طول زمان ساخته و پرداخته می‌شود و همواره در معرض چالش‌ها و نوسان‌های متعدد قرار دارد (Ghahremanpour, 2015: 33).

براین اساس، همکاری، رقابت و جنگ پدیده‌هایی برساخته و مبتنی بر شناخت مشترک‌اند که در جریان تعاملات دولت‌ها شکل می‌گیرند.

سازه‌انگاران بر این باورند که شناخت سیاست خارجی کشورها مستلزم ارائه تفسیرهای هنجارگرایانه و هستی‌شناسانه از جهان مادی است. بازیگران تنها به دنبال اهداف مادی نیستند، بلکه در کنار واقعیت‌های مادی، فرایندهای اجتماعی هستند که نقش آفرینی می‌کنند؛ بازیگران تحت تأثیر عقاید، ارزش‌ها و هنجارها رفتارهای خود را شکل می‌دهند. به عبارتی، کنشگران در معانی جمعی هویت کسب می‌کنند و این هویت به عنوان خصوصیت بازیگران گرایش‌های انگیزشی و رفتاری آنها را به وجود می‌آورد. کنش‌های کنشگران را هنجارها یعنی انتظارات بین‌الذاتانی مشترک و مبتنی بر ارزش‌ها در ارتباط با رفتارها هدایت می‌کنند. از این منظر، بازیگران بر مبنای هنجارها و قواعد که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی، فرهنگی و حضور در نهادهاست، مبادرت به تصمیم‌گیری می‌کنند. انگیزه اصلی رفتار بازیگران ایده‌های مشترک است که در چهارچوب آن هویت و منافع دولت‌ها ساخته می‌شود.

عوامل و فاکتورهای ذهنی از جمله مشابهت‌های ایدئولوژیک و هویتی در زمره متغیرهایی محسوب می‌شوند که سازه‌انگاران برای تبیین فرایند شکل‌گیری اتحادها مورد توجه قرار می‌دهند. در این دیدگاه، منافع استراتژیک یا تهدید و چالش‌های مشترک زمانی می‌توانند مبنای شالوده‌ای برای ایجاد روابط استراتژیک باشند که نگرش و فهم مشترکی از این منافع یا تهدیدها میان تصمیم‌گیران و رهبران دو کشور فرضی وجود داشته باشد. به عبارتی، بدون فهم مشترک از منافع راهبردی یا چالش‌ها و تهدیدهای فراروی آن‌ها، منافع واقعی و عینی نمی‌تواند موجد همکاری استراتژیک شود (Ghaffari & Shariati, 2008: 84-86). بنابراین برخلاف واقع‌گرایان، که هویت را امری از پیش تعیین‌شده فرض می‌کنند، سازه‌انگاران هویت‌ها و به تبع آن منافع و سیاست خارجی دولت‌ها را پدیده‌ای برساخته شده می‌دانند که در جریان تعاملات و بینادهنیت‌ها شکل گرفته، تغییر یافته یا قوام می‌یابد. در پژوهش حاضر از این رهیافت تحلیلی برای واکاوی ابعاد و جوانب مناسبات دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و ترکیه (تقابل، رقابت و همکاری) استفاده می‌شود.

۴. فرهنگ‌هازی - تقابلی در روابط ایران و ترکیه

چنانچه در گفتمان رهبران انقلابی ایران آمده، ضدیت با نظام سلطه بخش جدایی‌ناپذیر هویت

جمهوری اسلامی است. بر این مبنا، ترکیه که کشوری نسبتاً سکولار، متحد غرب و عضو ناتو است، به عنوان چالشی بالقوه دیده می‌شود. تحولات اخیر در سیاست خارجی و امنیتی ترکیه نیز بر ادراک از تهدید آمیز بودن تحرکات ترکیه در میان مقامات عالی‌رتبه ایران افزوده است. تهران احیای روابط ترکیه با اسرائیل و چراغ سبز آنکارا برای ورود و اعمال نفوذ تل‌آویو در بحران قره‌باغ را نوعی تهدید امنیتی قلمداد می‌کند، زیرا این ترس وجود دارد که تحولات مذکور در نهایت به ابتکارات مشترک ترکیه و اسرائیل برای تضعیف نفوذ ایران در منطقه منجر شود. همچنین برخی از نخبگان سیاسی در ایران بر این باورند که دخالت آنکارا در عراق و سوریه بخشی از سیاست خارجی توسعه طلبانه با هدف احیای کنترل ترکیه بر سرزمین‌های عثمانی سابق است. به این ترتیب، این تصور از عنصر به اصطلاح «نوع‌عثمانی» در سیاست خارجی ترکیه، ناگزیر صحنه را برای بازی حاصل جمع صفر ایران و ترکیه در عراق و سوریه مهیا می‌کند (Azizi and Çevik, 2022).

ایران و ترکیه در رابطه با نقش منطقه‌ای، نظم منطقه‌ای و رهبری منطقه‌ای انگاره‌های متفاوتی دارند. تشدید تنش‌ها و واگرایی منافع دو طرف در عراق، سوریه و قره‌باغ از امکان توسعه تا سرحد رویارویی مستقیم برخوردار است. وجه مشترک این سه حوزه آن است که دو کشور در آنها وارد رویارویی مستقیم شده‌اند یا دست‌کم به‌طور غیرمستقیم از طریق نیروهای نیابتی یا کمک به طرف سوم تقابل استراتژیک را در مقاطعی تجربه کرده‌اند. از این جهت می‌توان گفت رویارویی‌های آنها در این بخش نوعی فرهنگ هابزی-تقابلی را بر مناسبات دوجانبه حکم فرما کرده است. در ادامه هر یک از موارد تقابلی بررسی می‌شود.

۴-۱. واگرایی منافع ایران و ترکیه در عراق

ایران و ترکیه با عراق مرز مشترک دارند. این دو با استفاده از خلأ قدرت ناشی از کاهش حضور نظامی آمریکا و همچنین ظهور داعش و تضعیف حکومت مرکزی در عراق در زمره بازیگران خارجی اصلی در صحنه عراق درآمده‌اند. منطقه استراتژیک سنجان (شنگال) در شمال عراق در قلب تقابل استراتژیک ایران و ترکیه قرار داشته است. عملیات نظامی ترکیه علیه پ.ک.ک در شمال عراق به‌طور فزاینده‌ای مترصد کنترل سنجان است که گذرگاه حیاتی بین عراق و سوریه محسوب می‌شود. در اینجا، آنکارا قصد دارد ارتباط زمینی بین شبه‌نظامیان کرد در شمال عراق و شمال سوریه را قطع و در نتیجه حمایت لجستیکی و نظامی آنها از یکدیگر را متوقف کند. با

وجود این، تنها شبه‌نظامیان کرد نیستند که به استفاده از این گذرگاه چشم دوخته‌اند. ایران و گروه‌های عراقی مورد حمایت در صورتی که بتوانند امنیت سنجان و در نتیجه دسترسی آسان‌تر به سوریه و سپس لبنان را حفظ کنند، مزیت قابل توجهی را به دست خواهند آورد. در حال حاضر، تنها کریدوری که متحدان عراقی و سوری ایران را به هم متصل می‌کند، گذرگاه مرزی جنوبی القائم- البوکمال است که به‌طور فزاینده‌ای هدف حملات هوایی و موشکی اسرائیل و آمریکا قرار گرفته است. در سال ۲۰۲۰، آنکارا با بغداد و اربیل در خصوص خروج عناصر پ.ک.ک از سنجان به توافق رسیدند. این توافق باعث ایجاد سوءظن شد که ممکن است توطئه‌ای برای حذف ایران از ترتیبات امنیتی در شمال عراق در جریان باشد. در نتیجه، نیروهای حشد شعبی تحت حمایت ایران مواضع خود را در سنجان تقویت کردند. ایران همچنین مخالفت خود را با فعالیت‌های نظامی ترکیه در عراق ابراز کرده است، زیرا حضور ترکیه در آنجا و همچنین در سوریه، برخی تحلیلگران و مقامات ایران را به این باور رسانده که ممکن است آنکارا در نهایت به دنبال پیوند دادن مناطق تحت کنترل خود در دو کشور باشد. این بخشی از روایتی در ایران است که تهدیدات ترکیه را در قالب کلی‌تر «نوع‌ثمنی‌گرایی» ادراک می‌کند (Azizi and Çe-vik, 2022). اردوغان در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۶، «مسئولیتی تاریخی» برای محافظت از «برادران عرب سنی و برادران ترکمن» را برای ترکیه ترسیم کرد (Uyanik, 2017).

با افزایش ردپای نظامی و نفوذ اقتصادی و سیاسی ترکیه در اقلیم کردستان، لایه دیگری به تقابل ترکیه و ایران در عراق افزوده شده است. آنکارا و تهران از گروه‌های رقیب کردی حمایت می‌کنند. ترکیه از حزب دموکرات کردستان (پارتی) که تحت کنترل خانواده بارزانی است و ایران از اتحادیه میهنی کردستان (یکیتی) تحت کنترل خانواده طالبانی حمایت می‌کند. این شکاف از نظر جغرافیایی نیز قابل واکاوی است، زیرا حزب دموکرات کردستان کنترل بخش‌هایی از اقلیم کردستان را در نزدیکی مرز ترکیه در اختیار دارد در حالی که حزب اتحادیه میهنی کردستان مناطقی را در امتداد مرز ایران کنترل می‌کند. جمهوری اسلامی ایران حضور گروهک‌های معاند در اقلیم شمال عراق را به مثابه تهدیدی امنیتی شناخته و حکومت منطقه‌ای اقلیم کردستان را مسئول اصلی تسهیل فعالیت این گروهک‌ها دانسته است. در سال‌های اخیر، این گروه‌ها حملات متعددی علیه تمامیت ارضی ایران سازمان‌دهی و اجرا کرده‌اند. آنها همچنین دفاتری در اربیل دارند که از طریق آن فعالیت‌های سیاسی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی ایران دارند.

۴-۲. واگرایی منافع ایران و ترکیه در سوریه

ورود نظامی مستقیم و غیرمستقیم آنکارا به بحران سوریه در حمایت از معارضان دولتی یکی از اصلی‌ترین موارد اختلافی تهران و آنکارا بود. در نگاه نخست با توجه به تمرکز تهران بر جنوب و جنوب شرق سوریه (اولویت اسرائیل در سیاست ایران) و تمرکز ترکیه بر شمال سوریه (اولویت کردها در سیاست ترکیه) به نظر می‌رسید که تعارض منافع میان دو طرف ایجاد نشود، اما به‌زودی برداشت‌های دو طرف از نیات و اولویت‌های راهبردی یکدیگر تغییر پیدا کرد. چهار عملیات نظامی ترکیه (سپر فرات، شاخه زیتون، چشمه صلح و سپر بهار) زمینه‌ساز تبدیل بخش قابل توجهی از شمال سوریه به حوزه نفوذ آنکارا شد و احیای حاکمیت بشار اسد بر قلمرو سوریه و حل و فصل سیاسی بحران را با چالش مواجه کرد. تحریرالشام و ارتش آزاد سوریه عناصر نیابتی ترکیه در این استان بودند. تعداد نیروهای نظامی آنکارا در ادلب حدود ۱۵ هزار نفر تخمین زده می‌شد. این نیروها نهایتاً هسته اصلی فاتحان دمشق را تشکیل دادند.

ترکیه همچنین میزبان بیش از ۳.۵ میلیون پناهنده سوری است و قصد دارد آن‌ها را در منطقه حائل که در امتداد نوار شمالی سوریه تدارک دیده، مستقر کند. آنکارا بزرگراه‌های ام ۴ و ام ۵ را به‌عنوان مرز میان مخالفان و دولت سوریه، خط قرمز خود اعلام کرد و در برابر هرگونه پیشروی حکومت اسد و متحدان از این خطوط، واکنش سختی نشان داد. هدف اصلی ترکیه، تحقق سناریو «خودمختاری ادلب» و تداوم قدرت و نفوذ تحریرالشام بود. ترکیه با فرمول منطقه امن برای میزبانی از غیرنظامیان مخالف بود زیرا هیئت حاکمه این کشور اعتقاد داشت که چنین سناریویی غزه جدیدی را در مجاورت مرزهای آنکارا ایجاد می‌کند. در مقابل، آنکارا معتقد است که غیرنظامیان در ادلب باید فضای لازم برای تداوم بقا را داشته باشند و این امر تنها از طریق ایجاد حاکمیت موازی و تشکیلاتی خودگردان در ادلب محقق می‌شود (Pir-mohammadi, 2021). از منظر مقامات ترکیه، قدرت‌یابی عنصر کردی و خودمختاری آنان و همچنین نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران مهم‌ترین نگرانی ژئوپلیتیکی را برای آنکارا در سوریه ایجاد می‌کند. برای رفع این نگرانی، ترکیه تلاش کرد نوعی ساختار ذهنی در قالب تفکر نوع‌مان‌گرایی در کشورهای هدف از جمله سوریه ایجاد کند (Mehrabian, et.al, 2022: 154).

حفظ تمامیت ارضی سوریه اولویت اصلی ایران در بحران سوریه بود. در مارس ۲۰۲۰، همزمان با آغاز عملیات سپر بهار ترکیه در استان ادلب، مرکز مستشاری نظامی ایران در سوریه

هدف حملات ترکیه قرار گرفت. آنکارا این حملات را عکس‌عملی طبیعی به کشته شدن ۳۶ نیروی واحد کماندو این کشور در ادلب دانست. در واکنش، «مرکز مستشاری ایران» در بیانیه‌ای ضمن متهم کردن ترکیه به حمایت از حزب ترکستانی و جبهه النصره اعلام کرد نیروهای ارتش ترکیه در ادلب در تیررس هستند و به‌راحتی امکان انتقام‌گیری از بمباران‌های ترکیه و متحدان آن وجود دارد. این بیانیه مهر تأییدی بر حضور نیروهای محور مقاومت در محور ادلب براساس منافع ایران در شمال غربی سوریه و ضرورت احترام متقابل آنکارا به چنین منافعی بود.

۳-۴. واگرایی منافع ایران و ترکیه در مسئله قره‌باغ

قفقاز جنوبی از دیرباز صحنه رقابت ترکیه و ایران بوده است. حمایت همه‌جانبه ترکیه از آذربایجان در طول جنگ‌های قره‌باغ، ردپای آنکارا را در منطقه تثبیت کرده است. تسلط آذربایجان بر سایر مناطق قره‌باغ در حملات نظامی سپتامبر ۲۰۲۳ به موازات پیشبرد اهداف و منافع ترکیه، نقش روسیه و ایران را در منطقه محدود کرده است. علاوه‌براین، تهران به‌طور روزافزون شاهد تعمیق روابط بین متحد نزدیک ترکیه، آذربایجان و دشمن اصلی ایران، اسرائیل است. تغییرات در وضعیت موجود در قفقاز جنوبی به نفع ترکیه بوده و در ایران با نگرانی فزاینده‌ای به آن نگریسته شده است. کاهش نقش و جایگاه روسیه به‌عنوان قدرت مسلط سنتی در قفقاز جنوبی از جمله در نتیجه تمرکز بر بحران اوکراین نیز بر این وضعیت دامن زده است. در طول جنگ دوم قره‌باغ، مسکو موفق شد از طریق میانجی‌گری توافق آتش‌بس بین آذربایجان و ارمنستان ابتکار عمل را در دست گیرد. با این حال، از پایان سال ۲۰۲۱، روسیه با توجه به افزایش نقش ترکیه و همچنین مشارکت فزاینده واشنگتن و بروکسل در روند مدیریت بحران، جایگاه سنتی خود را در مسئله قره‌باغ از دست داده است (Azizi & Isachenko, 2023).

تهران همچنین نفوذ فزاینده اسرائیل در قفقاز را که پس از گرجستان به آذربایجان نیز گسترش یافته، تهدیدی جدی برای امنیت و منافع خود می‌داند. بسیاری از مقامات نظامی ایران در سال‌های اخیر بر استفاده اسرائیل از خاک آذربایجان برای ضربه زدن به منافع ایران اذعان کرده‌اند. ایران در چند سال اخیر سه رزمایش نظامی در محدوده بین پلدشت تا جلفا و در حاشیه جنوبی رود ارس انجام داده است. تمرین عبور از رود ارس، که به‌عنوان خط جداکننده اصلی بین آذربایجان و ایران عمل می‌کند، عمق واگرایی منافع دو طرف را نشان می‌دهد. در مقابل، رزمایش‌های مشابهی از سوی آذربایجان با همکاری ترکیه انجام گرفت. باید توجه

داشت که مسئله قره‌باغ می‌تواند به یک بازی حاصل جمع صفر برای تهران تبدیل شود. برقراری روابط نزدیک دولت پاشینیان با کشورهای غربی و افزایش حضور آمریکا که در قالب برگزاری رزمایش نظامی مشترک اخیراً برجسته شده، در این راستا قابل ارزیابی است. خطر گسترش ناتو به مرزهای شمالی ایران که به کرات از سوی مقامات ایران ابراز شده، سناریویی محتمل به نظر می‌رسد (Jalali, 2020).

در جریان نبرد سال ۲۰۲۰ قره‌باغ، ارتش آذربایجان با بهره‌گیری همزمان از بایراکتار تی.بی.۲ ترکیه و پهپادهای اسرائیلی تندر بی، اربیترا ۳، اسکای استریکر و هرمس ۹۰۰ توانست شکست سنگینی را به ارمنستان تحمیل کند (K n k & Çelik, 2021: 169-175). در کنار کمک آنکارا به دستیابی باکو به برتری نظامی، ترس از نفوذ افکار و اندیشه‌های پان‌ترکی در استان‌های آذری‌زبان نیز تهدیدی وجودی برای هویت ملی جمهوری اسلامی ایران است. تهران هرگونه استفاده از کارت «ترک‌ها» را عامل برهم‌زننده وضع موجود و در راستای اهداف اسرائیل می‌داند.

۵. فرهنگ لاکی - رقابتی در مناسبات ایران و ترکیه

مناطق ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی، شامات و حتی خلیج فارس در کانون رقابت‌های ایران و ترکیه قرار دارند. ایران نگران است که ترکیه از موقعیت جغرافیایی خود در نقطه اتصال اروپای شرقی و خاورمیانه برای انحصار مسیرهای ترانزیتی به مناطق همسایه و حذف ایران از کریدورهای منطقه‌ای استفاده کند. از منظر مقامات عالی‌رتبه ایران، حرکت ترکیه در عمق ۳۰ کیلومتری شمال عراق در امتداد مرزهای غربی ایران و قطع احتمالی گذرگاه‌های حاج عمران، باشماق، گرمیان و پرویزخان در هماهنگی با حزب دموکرات کردستان، تهدیدی جدی برای کریدور تجاری تهران- اربیل و تهران- سلیمانیه به‌شمار می‌آید. به‌طورکلی، در بخش‌های کریدوری، تجاری، گازی و هیدروپلیتیک رقابت‌های جدی میان آنکارا و تهران وجود داشته است. در سطح دیگری، رقابت‌های ایران و ترکیه را می‌توان ذیل دو مسئله اقتصادی و امنیتی بررسی کرد. در اینجا به جای نگاه جداگانه به هر یک از این موارد، تلاش می‌شود با نگاهی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک زوایای مختلف این رقابت چندلایه و در عین حال در هم‌تنیده تحلیل و ارزیابی شود. در اینجا ادراکات و برداشت‌ها از خود و دیگری به گونه‌ای بر ساخته شده که رقابت استراتژیک را در مناسبات دوجانبه تهران و آنکارا حاکم کرده است. در ادامه هر یک از این موارد تحلیل و بررسی می‌شود.

۵-۱. رقابت کریدوری ایران و ترکیه

تجارت از طریق کریدور تلاش کشورها برای تبدیل مزیت‌ها و قابلیت‌های ژئوپلیتیکی خود به دستاوردهای اقتصادی را روایت می‌کند. درآمد حاصل از ترانزیت یک تن کالا می‌تواند به اندازه درآمد یک بشکه نفت صادراتی باشد. این مقوله در شرایط اعمال تحریم‌های هوشمند و حداکثری علیه ایران از اهمیتی دوچندان برخوردار می‌شود. از این منظر، تلاش‌های ترکیه برای تبدیل شدن به قطب ترانزیت منطقه‌ای در خاورمیانه، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی باید در نسبت با اهداف و منافع راهبردی تهران مورد بررسی قرار گیرد. رونمایی ترکیه از طرح‌هایی برای پیوند با آسیای مرکزی از طریق دریای خزر، به‌عنوان چالشی مستقیم برای منافع ایران تلقی می‌شود. برای مثال، «ابتکار کریدور ترانس خزر شرق-غرب-میانه» که آنکارا از آن به‌عنوان «کریدور میانی» نیز یاد می‌کند، ترکیه را از طریق گرجستان و آذربایجان به قفقاز متصل می‌کند سپس از طریق یک پیوند دریایی از دریای خزر به آسیای مرکزی و چین می‌رسد. این کریدور می‌تواند تمام تجارت ترکیه به آسیای مرکزی را بدون عبور از ایران پوشش دهد. تلاش ترکیه به‌نوعی از طریق بازریل‌گذاری جاده ابریشم، به حذف ایران از ابتکار کمربند جاده نیز منتهی می‌شود. طرح دیگر ترکیه، «موافقت‌نامه کریدور ترانزیتی ترکیه-گرجستان-آذربایجان-ترکمنستان-افغانستان» است که به «توافق لاجورد» نیز معروف است. در این کریدور نیز که آسیای مرکزی و افغانستان را به دریاهای سیاه و مدیترانه متصل می‌کند، ایران حذف‌شده اصلی از شبکه حمل و نقل منطقه‌ای محسوب می‌شود. طرح مذکور همچنین روابط تجاری ایران با افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی را در معرض مخاطره قرار خواهد داد، زیرا جریان‌های تجاری بیشتر به معنای رقابت بیشتر برای همان بازارهای صادراتی است که تهران در حال حاضر به آن وابسته است (Vatanka, 2022).

جمهوری اسلامی ایران چنانچه از ادراک راهبردی مقامات عالی در سال‌های اخیر برمی‌آید، احساس می‌کند از شمال از طریق قوس نفوذ ژئوپلیتیک ترکی احاطه شده است. ایران از این بیم دارد که کریدور زنگه‌زور اهمیت ژئواکونومیک و نفوذ منطقه‌ای آن را با برهم زدن موقعیت حیاتی خود به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی بین آذربایجان و نخجوان، ترکیه و آسیای مرکزی و به‌طورکلی در میان اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تضعیف کند. یکی از اهداف کریدور زنگه‌زور متحدسازی «جهان ترک» در قالب اتصال ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک است. این هدف در سال‌های اخیر در جلسات مختلف سازمان کشورهای ترک اعلام شده است.

سازمان مذکور که در سال ۲۰۰۹ تحت عنوان شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان متشکل از ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان با مجارستان، ترکمنستان و قبرس شمالی تشکیل شد و در سال ۲۰۲۱ به سازمان کشورهای ترک تغییر نام داد، یکی از اهداف اصلی خود را در بخش کریدوری تعریف و تعقیب کرده است. کریدور زنگه‌زور از این جهت برای ترکیه حائز اهمیت است که این کشور را به آذربایجان و سایر کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی، یعنی قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان متصل می‌کند. تلاش‌های اخیر ترکیه و آذربایجان برای در دستورکار قرار دادن کریدور زنگه‌زور شرقی (عبوری از ایران) به جای زنگه‌زور غربی (عبوری از ارمنستان) به نوعی معطوف به اعمال فشار بر ایران برای موافقت با این کریدور پیشنهادی است.



نقشه کریدور میانی (Gabritchidze, 2023)

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران هرگونه تغییر در ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی را خط قرمز خود معرفی کرده است. قطع مرزهای مشترک ایران با ارمنستان از طریق استان سیونیک دسترسی ایران به اروپا برای تجارت و ترانزیت از مرزهای شمالی را مسدود می‌کند. کریدور راه‌آهن شمال- جنوب که قرار است هند را به روسیه متصل کند، یکی از اولویت‌های اصلی دیپلماسی

اقتصادی منطقه‌ای ایران به‌شمار می‌آید. کریدور زنگه‌زور نیز با ادامه دور زدن و حذف ایران از کریدورها و شبکه ترانزیت منطقه‌ای به‌طور مستقیم ترکیه را از طریق ارمنستان و آذربایجان به آسیای مرکزی متصل می‌کند. در ۲۱ اکتبر ۲۰۲۲، ایران سرکنسولگری خود را در کاپان (قاپان)، مرکز منطقه سیونیک ارمنستان افتتاح کرد. این تحول همزمان با سفر رجب طیب اردوغان به منطقه زنگیلان آذربایجان صورت گرفت. نوار نسبتاً محدود مرزی ایران با سیونیک عملاً تنها معبر و گذرگاه دسترسی ایران به قفقاز جنوبی در شرایط تشدید و آگرایی منافع با ترکیه و آذربایجان است.

۵-۲. رقابت ایران و ترکیه در حوزه گاز

خط لوله موسوم به «خط لوله اسلامی» یا «خط لوله دوستی» ابتکاری در جهت اتصال ژئواستراتژیک ایران به محور مقاومت و متعاقب آن اتصال به بازار جهانی گاز در اروپاست. بر این مبنا، گاز ایران از طریق عراق و سوریه و بدون عبور از ترکیه به اروپا می‌رسد. ایده‌ای که بسترهای لازم برای ایجاد مسیر لجستیک جایگزین تجاری و در نتیجه گسترش وابستگی متقابل اقتصادی میان اجزای محور مقاومت را فراهم می‌کند. در سطح زیرسیستم مدیترانه شرقی، خط لوله دوستی ایران-عراق-سوریه می‌تواند یونان را به‌عنوان قطب انرژی تثبیت کند و این امر در تضاد با منافع راهبردی آنکارا در خاورمیانه و مدیترانه شرقی خواهد بود. از این جهت است که یونان به‌عنوان یکی از نخستین اعضای ناتو و اتحادیه اروپا روابط خود را با سوریه در سال ۲۰۱۲ از سر گرفت. در حوزه ژئواستراتژیک، تحولاتی مانند جنگ سوریه مانعی جدی در مسیر پیاده‌سازی ایده خط لوله اسلامی ایجاد کرده است.

علی‌رغم آنکه مذاکرات اولیه درخصوص طرح خط لوله صلح یا دوستی ریشه‌ای قدیمی‌تر داشت، اولین یادداشت تفاهم در سال ۲۰۱۱ و همزمان با آغاز بحران سوریه امضا شد. در سال ۲۰۱۲ و همزمان با تشدید جنگ، وزرای نفت ایران، عراق و سوریه توافق‌نامه‌ای را امضا کردند تا گاز ایران را به سواحل مدیترانه‌ای لبنان و از آنجا به اروپا برساند. از دیدگاه واشنگتن، اینکه انرژی ایران به بازارهای اروپایی برسد، عاملی کلیدی در دور زدن تحریم‌ها و عقیم ماندن سیاست فشار حداکثری^۱ خواهد بود، به‌ویژه که مانع از اجرای خط لوله پیشنهادی قطر-ترکیه^۲ مورد حمایت

1. Maximum Pressure
2. Qatar-Turkey Pipeline

آمریکا می‌شود. خط لوله قطر-ترکیه قرار بود گاز قطر را از طریق عربستان سعودی، اردن و سوریه به ترکیه برساند. پس از ورود به ترکیه، گاز وارداتی به خط لوله ترانس آدریاتیک^۲، که گاز آذربایجان را به اروپا می‌رساند، متصل می‌شود. تصمیم بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه برای انتخاب پیشنهاد ایران به جای پیشنهاد قطر-ترکیه یکی از دلایل اصلی سیاست‌گذاری عربستان سعودی، قطر، ترکیه و ایالات متحده برای حمایت از معارضان سوری بوده است (Antonopoulos, 2021).



خط لوله صلح یا دوستی ایران-عراق-سوریه

تصمیم تاریخی سال ۲۰۱۳ برای ساخت خطوط لوله مستقیم گاز و نفت بدون تأیید حکومت مرکزی عراق، حزب دموکرات کردستان را در موقعیت مناسبی قرار داد. خط لوله‌ای که نفت کردستان را به بندر جیهان ترکیه می‌رساند در سال ۲۰۱۴ عملیاتی شد. ظرفیت بالقوه ذخایر گازی کردستان عراق (دارای دست‌کم ۲۵ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز اثبات‌شده و تا ۱۹۸ تریلیون فوت مکعب ذخایر اثبات‌نشده)، که علاوه بر تأمین نیازهای داخلی عراق از قابلیت عرضه به بازار جهانی نیز برخوردار است، دامنه اختلافات طرف‌های ذینفع در این منطقه را تشدید خواهد کرد.

3. the Trans Adriatic Pipeline (TAP)

حزب دموکرات کردستان در این زمینه از مثلث اربیل-آنکارا-شورای همکاری خلیج فارس حمایت کرده که می‌تواند به‌طور قابل توجهی معادلات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه را تغییر دهد. پارتی نقشی کلیدی در تسهیل مذاکرات و نزدیکی روابط ترکیه و امارات متحده عربی داشته است. مباحث موجود در زمینه پروژه موسوم به «راه توسعه» و ایجاد کریدور حمل و نقل زمینی و راه آهن از استان بصره در جنوب عراق تا مرز ترکیه تهدیداتی چون حذف ایران از کریدور شمالی و جنوبی خلیج فارس و کریدور قفقاز-خلیج فارس را به همراه خواهد داشت.

بنابراین از آنجاکه تبدیل شدن به قطب انرژی منطقه‌ای و جهانی یکی از اهداف اولویت‌های راهبردی آنکارا محسوب می‌شود و در نقطه مقابل، خط لوله صلح رقیبی جدی برای اجرایی‌سازی این هدف ترکیه را به وجود می‌آورد، نوعی تعارض ژئواستراتژیک میان تهران و آنکارا ایجاد شده است. در سطوح دیگر این تعارض، بازیگرانی چون ایالات متحده، قطر، یونان و اتحادیه اروپا نیز منافع مشخصی برای خود تعریف کرده و بر پیچیده‌تر رقابت تهران و آنکارا افزوده‌اند.

۵-۳. رقابت‌های اقتصادی ایران و ترکیه

گرچه فعالیت‌های اقتصادی ایران بر جنوب عراق و ترکیه نیز بر شمال عراق متمرکز بوده؛ در سال‌های اخیر با گسترش حوزه فعالیت‌های اقتصادی دو طرف به سراسر عراق رقابت‌های دو طرف تشدید شده است. ترکیه به‌عنوان یکی از شرکای اصلی تجاری عراق مترصد آن است که از طریق افزایش سرمایه‌گذاری برای مقابله با نفوذ فزاینده ایران و تقویت جایگاه خود به‌مثابه یک قدرت اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای، نفوذ اقتصادی چشمگیری در همسایه جنوبی خود داشته باشد. بازار عراق با سهم ۵ درصدی از کل صادرات ترکیه، سومین بازار صادرات ترکیه با ۲/۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ بود (Borsari, 2020). پیش‌بینی می‌شود با کاهش واردات کالاهای ایرانی به دلیل تحریم‌ها، سهم کالاهای ترکیه در بازار عراق افزایش یابد. عراق تا قبل از تشدید تحریم‌ها کالاهای ایرانی را به دلیل مقرون به صرفه بودن ترجیح می‌داد. با افزایش موانع برای واردات کالا از ایران، این شکاف با محصولات ترکیه پر شده است.

ایران تنها ۳ درصد از اقتصاد سوریه را به خود اختصاص می‌دهد و درعین حال ترکیه ۳۰ درصد از تجارت این کشور را به خود اختصاص داده است (The Syrian Observer, 2021). براساس آمار رسمی ترکیه، واردات سوریه از ترکیه در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به ۲/۱ و ۲/۲

میلیارد دلار رسیده است. بیشتر این واردات برای مصرف از طریق مناطق تحت کنترل مخالفان وارد می‌شود، اما به سایر مناطق سوریه از جمله مناطق تحت کنترل دولت نیز قاچاق می‌شود (Tokmajyan & Al-Wahibi, 2023). این در حالی است که صادرات ایران به سوریه در سال ۱۴۰۱ به ۲۴۳ میلیون دلار رسید. تهران از زمان ایجاد امنیت نسبی در سوریه درصدد افزایش سهم خود در بازار این کشور بوده است، با این حال به جهت حجم بالای تجارت غیررسمی ترکیه در سوریه، که بیشترین سود را نصیب شرکت‌ها و تجار ترک کرده، واضح است که ترکیه حاضر به واگذاری سهم فعلی خود از بازار سوریه بدون کسب منافع جایگزین نخواهد بود.

روابط اقتصادی فزاینده ایران با ارمنستان و ترکیه با آذربایجان نیز تا حدودی از سوی طرف مقابل بر مبنای حذف بازار دیگری ادراک شده است. در قراردادی که در جریان سفر نیکول پاشینیان به تهران امضا شد، دو کشور توافق کردند تجارت گاز طبیعی از مبدأ ایران به ارمنستان را دو برابر کنند. یکی دیگر از اسناد امضاشده، تفاهم‌نامه شرکت‌های گازی دو کشور در زمینه گسترش همکاری‌های دوجانبه در حوزه انرژی بود. دو کشور همچنین به دنبال گسترش روابط تجاری هستند که در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال مدت مشابه سال قبل آن حدود ۴۳ درصد افزایش یافته است. در نیمه اول سال ۲۰۲۲، تجارت دوجانبه تهران و ایروان به ۴۲۷ میلیون دلار رسید. دو طرف همچنین برای تسهیل حمل و نقل و ترانزیت مشترک پروژه‌های مشترکی در استان سیونیک در دست اجرا دارند (Avdaliani, 2023). در سال‌های اخیر ترکیه به دومین شریک تجاری برتر آذربایجان و ایران نیز به سومین شریک تجاری برتر ارمنستان تبدیل شده‌اند.

۴-۵. اختلاف نظرها در پروژه گاپ^۴ گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رودخانه‌های دجله و فرات از ترکیه سرچشمه می‌گیرند، منشاء تمدن‌های بشری در خاورمیانه بوده و در حال حاضر نیز منابع اصلی آب آشامیدنی و کشاورزی در منطقه به‌ویژه سوریه و عراق هستند. از آنجاکه رودخانه‌های دجله و فرات از آناتولی باستان سرچشمه می‌گیرند، ترکیه به‌عنوان کشور بالادست در موقعیت برتری نسبت به همسایگان پایین‌دست خود قرار دارد. پروژه گاپ ترکیه که مشتمل بر احداث سدهایی چون آتاتورک و ایلی‌سوروی این رودخانه‌هاست چالش‌های عدیده‌ای در حوزه پایین‌دست دجله و فرات به وجود آورده است. ایران نیز در حوزه پایین‌دست با عوارض ناشی از تشدید وضعیت زیست‌محیطی، بحران ریزگردها و فرسایش خاک

4. Guneydogu Anadolu Projesi (GAP)

مواجهه است. بیش از سه چهارم اراضی ایران در معرض کمبود شدید آب زیرزمینی قرار دارند و نرخ تجدید طبیعی کمتر از نرخ استخراج است. علاوه بر این، ایران با بحران شدید آب مواجه است، زیرا میزان تقاضا بیش از عرضه طبیعی است. امروزه ایران بیش از ۸۰ درصد منابع آب شیرین تجدیدپذیر خود را به جای ۴۰ درصدی که استانداردهای بین‌المللی برای پایداری محیط زیست توصیه می‌کنند، استفاده می‌کند (Domalain, 2022).

هدف اصلی ترکیه در این پروژه، استفاده از اهرم آب برای اهداف سیاسی در داخل و خارج است. در داخل با استفاده از این طرح، به دنبال حل بحران هویت و مسئله کردی و در نهایت حذف مخالفان است که پیامدهای آن جابه‌جایی جمعیت و تخریب میراث فرهنگی کردها بوده و در حوزه سیاست خارجی نیز بر عزم این کشور برای دستیابی به هژمونی در خاورمیانه، احیای نو عثمانی‌گرایی و مبادله آب در برابر نفت دارد (Khaki, et.al, 2024: 130-131). با ادراک با این موضوع که چالش‌های آبی در فضای خاورمیانه مدرن مبنای شکل‌گیری نارضایتی‌های اجتماعی و حتی آغاز جنبش‌های انقلابی شده، استفاده آنکارا از ابزارهای هیدروپلیتیک برای اعمال فشار بر کشورهای پایین‌دست دجله و فرات دامنه رقابت‌های آنکارا و تهران را به این حوزه نیز گسترش می‌دهد.

۶. فرهنگ کانتی - همکاری جویانه در روابط ایران و ترکیه

همکاری‌های دوجانبه تهران و آنکارا عمدتاً در فرصت‌های تاریخی و تغییرات ژئوپلیتیکی ریشه داشته که طرفین در مقاطعی با ادراکات و برداشت‌های نسبتاً مشترک از تهدیدات سازوکارهای همکاری جویانه را به‌عنوان راهبرد بهینه در مواجهه با محذورات محیطی برگزیده‌اند. ادراک مشترک از نحوه مواجهه با تهدید فوری همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ یا همکاری تاکتیکی در بحران قطر در همین ارتباط قابل بررسی است. باید توجه داشت که تعارض منافع تهران و آنکارا در پرونده‌های منطقه‌ای که بدان‌ها اشاره شد، وجه غالب و برجسته در مناسبات دو طرف بوده است. دو کشور در حوزه‌های ژئوپلیتیکی از قبیل شامات، بین‌النهرین، قره‌باغ، خلیج فارس و حتی شمال آفریقا منافع متداخلی دارند که این امر بر مناسبات دوجانبه آنها سایه انداخته است. از این رو، همکاری‌های شکل‌گرفته بیش از آنکه همسو با اهداف و منافع بلندمدت دو طرف باشد، ریشه در اقتضانات محیطی داشته و تهران و آنکارا را به سمت‌وسوی اتخاذ راهبرد همکاری تاکتیکی سوق داده است. در ادامه نشانه‌های این همکاری در روابط دو طرف بررسی می‌شود.

۶-۱. روابط اقتصادی تهران و آنکارا در شرایط تحریم

ترکیه در شرایط تحریم ایران، در مقایسه با سایر کشورهای منطقه تعامل اقتصادی کمتری با تهران داشته است. با این حال، روابط اقتصادی ایران و ترکیه در شرایط تحریم بخشی از روند همکاری‌گرایی دو طرف را روایت می‌کند. این امر به‌ویژه در نتیجه تشدید اعمال تحریم‌های ضدایرانی و تلاش‌ها برای بهره‌گیری از ترکیه به‌عنوان مجرای برای دور زدن تحریم‌ها و پیشبرد راهبرد دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای اهمیت یافته است. از جهاتی روابط اقتصادی از پتانسیل تعدیل رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه برخوردار است. تجارت ترکیه با ایران از زمان اعمال تحریم‌ها به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. در سال ۲۰۱۸، صادرات ترکیه به ایران ۲/۴ میلیارد دلار بود، اما در سال ۲۰۲۲ به ۱/۱ میلیارد دلار کاهش یافت. واردات ترکیه از ایران نیز با کاهش محسوس از ۵/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ به ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسید (Herdem Attorneys at Law, 2023). با این حال، ترکیه کماکان بزرگ‌ترین خریدار گاز طبیعی ایران و از سوی دیگر ایران نیز پس از روسیه دومین صادرکننده گاز به ترکیه است (Emin Cengiz, 2022) بنابراین علی‌رغم افت محسوس، تجارت دوجانبه ایران و ترکیه همچنان در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد.

بخشی از همکاری‌های تجاری دو طرف به منافع شرکت‌ها و تجارت ترک در بهره‌مندی از منافع حاصل از تحریم‌ها باز می‌گردد. برای مثال، در سال ۲۰۱۹، هالک‌بانک^۵ ترکیه به کلاهبرداری، پولشویی و نقض تحریم‌های مرتبط با ایران متهم شد، اما اردوغان پیش از تحریم بانک مذکور در اواخر همین سال اعلام کرد که تحریم احتمالی هالک‌بانک توسط ایالات متحده «زشت» و «غیرقانونی» خواهد بود. با این حال، هیئت منصفه دادگاه فدرال منهتن بانک مذکور را در اکتبر ۲۰۱۹، متهم شناخت. در یکی از آخرین موارد نیز در اوایل دسامبر ۲۰۲۲، وزارت خزانه‌داری آمریکا سیتی‌آیان^۶، تاجر نزدیک به رجب طیب اردوغان را به دلیل تسهیل «فروش صدها میلیون دلار نفت برای جمهوری اسلامی ایران» تحریم کرد. تحریم‌های ضدایرانی آثار و تبعات قابل ملاحظه‌ای برای ترکیه دارد. تحریم‌ها باعث کاهش تجارت، افزایش تورم، کاهش رشد اقتصادی و افزایش تنش‌های سیاسی در سطوح مختلف می‌شود. برای نمونه، تحریم‌ها تنش‌های سیاسی بین ترکیه و آمریکا را افزایش داده است. ترکیه آمریکا را به تلاش

5. Halkbank

6. Sitki Ayan

برای خفه کردن اقتصاد ترکیه متهم کرده و ایالات متحده ترکیه را متهم کرده است که در مسیر اعمال سیاست فشار حداکثری علیه ایران سنگ اندازی می‌کند و منافع دولتی خود را بر منافع بین‌المللی ترجیح می‌دهد. در این سطح ترکیه با هدف بهره‌مندی از منافع اقتصادی لازم حاضر بوده تحریم‌های احتمالی بر بخشی از اقتصاد خود را تحمل کند.

۶-۲. همکاری در بحران قطر

زمانی که بحران قطر در سال ۲۰۱۷ آغاز شد، تهران و آنکارا در مواجهه با جبهه عربی متشکل از عربستان سعودی- امارات متحده عربی- مصر- بحرین به ادراک مشترکی رسیدند. هدف استراتژیک ریاض و ابوظبی برای وادار کردن قطر به کاهش روابطش با ایران و ترکیه، در عمل به تعمیق روابط دو کشور اخیر با دوحه منجر شد. تنش‌ها با قطر همچنین متوجه حمایت ادعایی این کشور از جنبش اخوان المسلمین و حماس و فعالیت‌های شبکه رسانه‌ای الجزیره بود. علاوه بر این، کاهش سطح روابط دیپلماتیک با ایران و توقف همکاری‌های نظامی با ترکیه در میان خواسته‌های ائتلاف عربی دیده می‌شد. با محاصره همه‌جانبه قطر توسط ائتلاف عربی، تهران تنها مجرای دسترسی به قطر و دور زدن محاصره این امیرنشین کوچک بود. محاصره قطر در عمل مانع از دستیابی قطر به بسیاری از اقلام اساسی از جمله منابع غذایی اولیه شد. ترکیه برای جبران کمبود مواد غذایی، هواپیماهای باری خود را در کمتر از ۴۸ ساعت عازم قطر کرد. ایران نیز برای جلوگیری از بحران امنیت غذایی محموله‌های غذایی متعددی را به قطر ارسال کرد. صادرات ایران به قطر از حدود ۶۰ میلیون دلار بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ به ۲۵۰ میلیون دلار بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ افزایش یافت. قطر ایزد^۷ موفق شد با استفاده از حریم هوایی ایران به فعالیت‌های خود ادامه دهد. بحران قطر حدود ۱۰۰ میلیون دلار درآمد هوایی را برای ایران به ارمغان آورد که نقش مهمی را در تضعیف سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران ایفا کرد (Sudetic & Cafiero, 2021).

به‌طور نسبتاً مشابهی، تهران و آنکارا از این امر هراس داشتند که پذیرش خواسته‌های بلوک عربی از سوی قطر ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به موقعیت و نفوذ منطقه‌ای آنها وارد کند. در این راستا، دو طرف براساس مبانی اسلام اخوانی به ادراک مشترکی رسیده و از دوحه در برابر فشارهای ریاض، قاهره و ابوظبی حمایت کردند. درست به جهت ادراک از مبانی اسلام اخوانی است که

7. Qatar Airways

دو طرف در مسئله فلسطین نیز در مواردی به اشتراک نظر می‌رسند بنابراین بحران قطر فرصتی را برای ترمیم روابط آسیب‌دیده تهران و آنکارا ناشی از تحولات انقلابی خاور میانه به وجود آورد. دو طرف زیاده‌خواهی‌های ائتلاف عربی به‌ویژه ریاض و ابوظبی را تلاشی برای برهم زدن موازنه قوا در منطقه خلیج فارس و رقم زدن نظم مدنظر خود در این منطقه استراتژیک تفسیر کردند. البته با ظهور پویایی‌های جدید در منطقه از جمله توافق العلا در ژانویه ۲۰۲۱ و عادی‌سازی تدریجی روابط آنکارا و دوحه با عربستان سعودی و امارات متحده عربی، شکاف‌های به‌وجودآمده تا حدودی ترمیم شده و در نتیجه، سطح همکاری‌های تهران و آنکارا در این موضوع نیز کاهش یافته است. اقتصاد ترکیه به‌شدت به جذب سرمایه‌گذاران خارجی نیازمند است و دولت اردوغان ناگزیر از بهره‌گیری از توان مالی ریاض و ابوظبی است.

۶-۳. همکاری در مناقشه همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق

ایران و ترکیه منافع مشترکی در مخالفت با شکل‌گیری دولت مستقل کردی دارند، زیرا هر دو کشور با جنبش‌های جدایی‌طلب کرد در مرزهای خود مواجه‌اند. در سال ۲۰۱۷، تهران و آنکارا در تلاش برای مقابله با همه‌پرسی استقلال کردستان که حزب دموکرات کردستان برگزار کرد، با بغداد متحد شدند. پس از اینکه بارزانی قصد خود را برای رفراندوم استقلال در ۷ ژوئن اعلام کرد، وزارت خارجه ترکیه در واکنش به این تصمیم، آن را اشتباهی فاحش توصیف کرد که به نفع اقلیم کردستان و عراق نیست. نگرانی مشترک باعث شد که تهران و آنکارا با گسترش همکاری‌گرایی مواضع مشترکی علیه همه‌پرسی اقلیم کردستان اتخاذ کنند (Sinkaya, 2017).

تحركات بارزانی‌ها در این زمینه ترکیه و ایران را به این نقطه مشترک رساند که از طریق برقراری نوعی ائتلاف تاکتیکی به این تهدید پاسخ دهند. از دیدگاه ایران، دورنمای اعلام استقلال کردهای عراق مانع از تحقق اهداف و منافع تهران در این کشور خواهد شد. از دیدگاه ترکیه نیز برقراری روابط نزدیک با ایران و روسیه علیه گروه‌های کردی مورد حمایت آمریکا در سوریه و عراق آنها را از تشکیل کشوری مستقل بازمی‌دارد. این واقعیت، ایران و ترکیه را ناگزیر از تحرک فعال در مواجهه با مسئله کردی در سال ۲۰۱۷ کرد، زیرا دو طرف از این موضوع واهمه داشتند که هرگونه تلاش برای کسب استقلال از در عراق و سوریه می‌تواند خواسته‌های تجزیه‌طلبانه مشابهی را در داخل کشورهای آنها نیز برانگیزد. حمایت نسبی اسرائیل و امارات متحده عربی از همه‌پرسی مذکور هم بر دامنه نگرانی‌های تهران و آنکارا اضافه کرد.

در واکنش، وزرای امور خارجه سه کشور ترکیه، عراق و ایران در نیویورک دیدار کردند تا درباره واکنش به همه‌پرسی مذکور گفت‌وگو کنند. تهران و آنکارا همچنین سیاست محاصره کامل اقلیم کردستان را به اجرا گذاشتند. این دو در کنار بغداد، رزمایش نظامی مشترکی را در نزدیکی مرز عراق برگزار کردند. هرچند ائتلاف تاکتیکی ایران و ترکیه موارد بالقوه همکاری‌گرایی آنها را در شرایط خاص محیطی بر ملا کرد، اما مانند سایر موارد همکاری تهران و آنکارا، با فروکش کردن مناقشه کردی مجدداً رقابت راهبردی و حتی در مواردی تقابل راهبردی بر مناسبات دو طرف سایه انداخته است.

۷. نتیجه‌گیری

چنانچه یافته‌های مقاله نشان داد، روابط ایران و ترکیه تحت تأثیر ساختارهای فکری و هنجاری بیش از همکاری به سمت وسوی رقابت و تقابل استراتژیک گرایش داشته است. سیاست آنکارا برای حضور فعال در زیرسیستم‌های شامات و خلیج فارس با ورود به حوزه نفوذ سنتی تهران همراه شده و این امر تعارض منافع دو طرف را گریزناپذیر کرده است. در سوریه، آنکارا از عادی‌سازی روابط با حکومت مرکزی امتناع کرده و با تداوم حضور در خاک سوریه و حمایت چندلایه از معارضان چالشی جدی برای احیای حاکمیت دولت اسد به‌عنوان متحد راهبردی ایران به وجود آورده است. در عراق نیز ترکیه مسئولیتی تاریخی برای محافظت از اقلیت‌های سنی و ترکمن این کشور برای خود متصور شده که در موارد متعددی خطوط قرمز ایران در عراق را زیر پا گذاشته است. آنچه بر پیچیدگی این وضعیت می‌افزاید، تداوم حضور نظامی مستقیم ترکیه در شمال سوریه و عراق و نبود چشم‌انداز روشنی برای تغییر این شرایط است.

غلبه رهیافت و رویکرد تقابلی در مناسبات دوجانبه، چشم‌انداز دستیابی به همکاری را نیز تحت الشعاع قرار داده است. همکاری‌های شکل‌گرفته بیش از آنکه همسو با اهداف و منافع بلندمدت دو طرف باشد، ریشه در اقتضائات محیطی از جمله شکاف‌ها در روابط ترکیه با آمریکا و اروپا و همچنین ترجیح سود ناشی از تجارت با ایران در شرایط تحریمی داشته و تهران و آنکارا را در مقطعی به سمت وسوی اتخاذ راهبرد همکاری تاکتیکی سوق داده است. اقتصاد دستخوش بحران، مواجهه با آمریکا و مسئله کردی در کلیت خود هرچند به درجات متفاوت تهران و آنکارا را متأثر کرده است. جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و همچنین پیشروی‌های اخیر آذربایجان در منطقه قره‌باغ کوهستانی پویایی‌ها در این منطقه را به نفع ترکیه تغییر داده و بر ادراک تهدیدآمیز

تهران از روند تحولات افزوده است.

از منظر مقامات ایران، افزایش نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی به ویژه روابط استراتژیک آن با جمهوری آذربایجان در کنار عادی سازی و ارتقای روابط آنکارا با تل آویو نیز در ناامن سازی مرزهای شمالی ایران نقش داشته است. خلأ قدرت ناشی از حضور روسیه در جنگ اوکراین هم دامنه تعارضات تهران و آنکارا در سوریه و قره باغ را شدت می بخشد بنابراین ادراکات و برداشت های متفاوت ایران و ترکیه از امنیت و تهدید در شامات، بین النهرین و خلیج فارس عامل برسازی نوسان در روابط دوجانبه به اشکال عمدتاً تقابلی و رقابتی و کمتر همکاری جویانه بوده است. در چنین شرایطی، روابط اقتصادی دو طرف در شرایط تحریم و برخی فرصت های محیطی ناشی از کنشگری هویت های رقیب یا چالش گر از جمله همکاری های تاکتیکی در بحران قطر، همه پرسی اقلیم کردستان و همکاری ها در جریان کودتای ۲۰۱۶ در حکم تعدیل کننده جریان غالب مذکور عمل می کنند.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Antonopoulos, P. (2021, February 20). *Iran-Iraq-Syria friendship pipeline could consolidate Greece as an energy hub*. Greek City Times. <https://greekcity-times.com/2021/02/20/iran-iraq-syria-friendship-pipeline/>
- Avdaliani, E. (2023, April 3). *Iran and Turkey engaged in proxy competition in the South Caucasus*. Georgia Today. <https://georgiatoday.ge/iran-and-turkey-engaged-in-proxy-competition-in-the-south-caucasus/>
- Azizi, H., & Çevik, S. (2022). *Turkish and Iranian involvement in Iraq and Syria*. Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP), German Institute for International and Security Affairs.
- Azizi, H., & Isachenko, D. (2023). *Turkey-Iran rivalry in the changing geopolitics of the South Caucasus*. Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP), German Institute for International and Security Affairs.
- Borsari, F. (2020). *Beyond the PKK issue: The geopolitics of the Iraq-Turkey relations*. Italian Institute for International Political Studies (ISPI).
- Domalain, B. (2022). *Iraq trapped between Turkey and Iran, two hydro-hegemon*s. French Research Center on Iraq (CFRI).
- Emin Cengiz, M. (2022). *The future of the Iranian-Turkish relationship: A contained geopolitical rivalry or a possible escalation between Ankara and Tehran?* Al Sharq Strategic Research.
- Gabritchidze, N. (2023, January 30). *How the Middle Corridor is shaping Georgia's relations with the West*. Eurasianet. <https://eurasianet.org/how-the-middle-corridor-is-shaping-georgias-relations-with-the-west>
- Ghaebi, M. R. (2016). The political economy of Iran-Turkey relations during “the Justice and Development Party” governance. *The Journal of Foreign Policy*, 30(2), 85–113. [in Persian]
- Ghaffari, M., & Shariati, S. (2008). Feasibility study of Iran-China strategic rela-

- tions: An alliance theory perspective. *Geopolitical Quarterly*, 4(11), 75–95. [in Persian]
- Ghahremanpour, R. (2015). *Identity and foreign policy in Iran and the Middle East*. Tehran: Roozaneh Publications. [in Persian]
- Herdem Attorneys at Law. (2023, May 16). *Worldwide: Updated sanctions issued in May 2023 for Iran and its impact on Turkey*. Mondaq. <https://www.mondaq.com/turkey/export-controls--trade--investment-sanctions/1330580/updated-sanctions-issued-in-may-2023-for-iran-and-its-impact-on-turkey>
- Jalali, G. (2020, October 28). *NATO's expansion to the east is a threat to Iran*. Mashregh News. <https://www.mashreghnews.ir/news/1348623>
- Khaki, S., Karmi, J., & Athari, S. A. (2024). Explaining the dimensions of the security components of the Turkish GAP plan from the perspective of the Copenhagen school. *Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 5(4), 111–135. [in Persian]
- Kınık, H., & Çelik, S. (2021). The role of Turkish drones in Azerbaijan's increasing military effectiveness: An assessment of the Second Nagorno-Karabakh War. *Insight Turkey*, 23(4), 169–191.
- Mehrabian, Z., Nohadani, S., & Ghadery Hajat, M. (2022). Investigating Turkey's geopolitical interests and concerns in Syria. *Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 4(3), 131–160. [in Persian]
- Moshirzadeh, H. (2004). Constructivism as metatheory of international relations. *Law and Political Science*, 65(1), 113–143. [in Persian]
- Mousavi, M. (2020). Investigating Iran's foreign relations with the Erdogan government in the framework of structuralism. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 4(10), 179–209. [in Persian]
- Niakooee, S. A., & Haji, V. (2018). The effects of Arab uprisings on the relationship pattern between Iran and Turkey. *Quarterly Journal of International Relations Researches*, 7(1), 91–120. [in Persian]

- Pirmohammadi, S. (2021, February 14). *The bases of the conflict of interests of Iran, Türkiye and Russia: Idlib crisis; Fire under the ashes*. Strategic Research Institute. <https://csr.ir/fa/news/1474>
- Safavi, S. H., & Nabavi, S. M. (2020). Analyzing the military-security factors affecting the future of Iran-Turkey relations. *Quarterly Security Horizons*, 13(46), 6–26. [in Persian]
- Sinkaya, B. (2017). Iran's reaction to the 'Kurdistan independence referendum'. *ORSAM (Center for Middle Eastern Studies)*.
- Sudetic, B., & Cafiero, G. (2021). *Iranian-Qatari relations after Al-Ula*. Carnegie Endowment for International Peace.
- The Syrian Observer. (2021, July 7). Iranian official: Turkey controls 30% of Syrian economy, Iran only 3%. <https://syrianobserver.com/features/71481/iranian-official-turkey-controls-30-of-syrian-economy-iran-only-3.html>
- Tokmajyan, A., & Al-Wahibi, A. (2023). *The long road to rapprochement between Syria and Turkey*. The Century Foundation.
- Uyanik, M. (2017). *Turkey and the KRG after the referendum: Blocking the path to independence*. Center for Strategic and International Studies (CSIS).
- Vatanka, A. (2022). *Iran, Turkey, and the future of the South Caucasus*. Middle East Institute (MEI).